

اخلاق مه‌ایانه: تغییر الگوهای هینه‌یانه و تأثیر آن در نجات‌شناسی

علیرضا شجاعی*

چکیده

برخی پژوهش‌گران غربی معتقدند سنت مه‌ایانه به شدت از سنت هینه‌یانه فاصله گرفته است. در واقع اینان معتقدند مه‌ایانه معرف آیین بودای جدیدی است. زیرا، از یک سو، مفاهیمی را به کار می‌برد که در سنت اولیه چندان برجستگی ندارند، و از سوی دیگر، در مقابل سنت تیره‌واده ادعای برتری اخلاقی دارد. این جستار ضمن معرفی اخلاق مه‌ایانه می‌کوشد نشان دهد که سرشت اخلاق مه‌ایانه پیچیده است، به طوری که در برخی موارد نشان‌دهنده رشد و تحول آموزه‌های اولیه است و در مواردی هم در تضاد با آنهاست. اما در اخلاق مه‌ایانه تقریباً هیچ دستور یا فضیلتی را نمی‌توان یافت که در نظام‌های اخلاقی دیگر مکتب‌های بودایی یافت نشود. این پژوهش همچنین نشان خواهد داد که اخلاق مه‌ایانه در مقایسه با اخلاق هینه‌یانه از چهار جنبه برتری دارد که عبارت‌اند از: دسته‌بندی اصول اخلاقی، نوع قواعد اخلاقی مشترک و خاص، گستردگی اخلاقیات، و عمق آموزه‌های اخلاقی.

کلیدواژه‌ها: اخلاق مه‌ایانه، آیین بودا، کمالات، فراشناخت، دستاویز، غمخواری.

* استادیار گروه ادیان شرق پژوهشکده ادیان و مذاهب وابسته به دانشگاه ادیان و مذاهب، al.shojai@gmail.com

[دریافت مقاله: ۹۲/۶/۱۲؛ پذیرش: ۹۲/۹/۱۰]

مقدمه

سرشت اخلاق مه‌ایانه پیچیده است، به طوری که در برخی موارد نشان‌دهنده رشد و تحول آموزه‌های اولیه است و در مواردی هم در تضاد با آنهاست. هایندری در توصیف تصویر کلی اخلاق مه‌ایانه می‌نویسد:

درباره دستورها، فضیلت‌ها و الگوهای اخلاقی شواهد زیادی هست که نشان می‌دهد اخلاق در آیین بودای مه‌ایانه صرفاً به منزله جهان‌بینی نیست، بلکه یک نظام است (Hindery, 1978: 248).

این پژوهش این نکته را روشن خواهد کرد که در اخلاق مه‌ایانه هیچ دستور یا فضیلتی را نمی‌توان یافت که در نظام‌های اخلاقی دیگر مکتب‌های بودایی یافت نشود. از سوی دیگر، در این مکتب نوعی گشتالت اخلاقی جدید یا خلقیاتی یافت می‌شود که هواخواه پویایی است؛ ویژگی‌ای که نماد بوداسف‌هایی است که برای دیگران زندگی می‌کنند و تسلیم مرگ نمی‌شوند و خصلت بوداهای منجی است که دستان خود را برای یاری دیگران دراز کرده‌اند. این جستار در سه بخش کلی طراحی و سازمان‌دهی شده است. از آنجایی که «اخلاق» در مه‌ایانه یکی از «شش کمال» به شمار می‌آید، در بخش نخست، به بررسی ساختار ارزشی مه‌ایانه بر اساس این آرمان‌ها خواهیم پرداخت تا از این راه به چارچوب نظام اخلاقی مه‌ایانه نگاهی اجمالی داشته باشیم. در بخش دوم، به تحولاتی که در اخلاق مه‌ایانه صورت گرفته است می‌پردازیم و می‌کوشیم به این پرسش پاسخی اجمالی دهیم که آیا نوآوری‌های مه‌ایانه به قیمت فاصله گرفتن از سنت اولیه بوده است یا این تغییر در روش‌های اخلاقی استمرار همان سنت آغازین است. در واقع با پیدایش مه‌ایانه در اخلاق بودایی انقلاب کوپرنیکی صورت نگرفته است و نوآوری‌های اخلاقی مه‌ایانه بیشتر تکمیل‌کننده اخلاق سنت اولیه است، نه رد و انکار آموزه‌های آن. اما برای نشان دادن وجه تمایز اخلاق مه‌ایانه و هیینه‌یانه می‌توان از «تغییر پارادایم» در مه‌ایانه سخن گفت؛ یعنی مه‌ایانه با تغییر پارادایم ساختار ارزشی هیینه‌یانه را از نو تنظیم می‌کند. و در بخش آخر ادعای برتری مه‌ایانه بر هیینه‌یانه را از این حیث به دقت می‌کاویم. در این بخش آخر، به نوآوری‌های موضوعات اخلاقی مه‌ایانه که وجه تمایز آن از سنت تیره‌واده است می‌پردازیم: در اینجا، هم، اخلاق هنجاری مه‌ایانه و هم، آموزه فرااخلاقی «دستاویز خوب» بررسی می‌شود که یکی از «کمالات» است.

۱. ساختار اخلاق مهاییانه (کمالات)

۱.۱. ده کمال مهاییانه

در منابع مهاییانه راه روشن‌شدگی با مجموعه‌ای از فضیلت‌ها یا «کمالات» (Pāramitā) آغاز می‌شود. غالباً کمالات را تا شش کمال برمی‌شمارند که به «شش کمال» معروف‌اند، اما بعدها به شش کمال اصلی چهار کمال دیگر نیز افزودند و فهرست را به «ده کمال» رساندند. این «ده کمال» اینهاست: ۱. دِهش یا بخشش (dāna)؛ ۲. سلوک یا رفتار اخلاقی (Śīla)؛ ۳. بردباری یا فروتنی (kṣānti)؛ ۴. مردانگی یا همت (virya)؛ ۵. یک‌دلی یا مراقبه (samādhi)؛ ۶. فراشناخت یا فرادانش (prajñā)؛ ۷. دستاویز خوب یا وسیلهٔ استادانه (upāya-kauśalya)؛ ۸. سوگند یا پیمان (prañidhāna)؛ ۹. نیرو یا توانایی (bala)؛ ۱۰. دانش یا شناخت (jñāna). گویا شش کمال نخست از چهار کمال آخر مهم‌ترند، چون بارها به تفصیل از آنها سخن به میان آمده، در حالی که بر چهار کمال آخر صرفاً تأکید شده و به طور جامع از آنها بحث نشده است.

۱.۲. ده کمال هیئیه‌یانه

این «ده کمال» مهاییانه را می‌توان با ده کمال هیئیه‌یانه مقایسه کرد که عبارت‌اند از: ۱. دِهش (dāna-pārami)؛ ۲. اخلاق (sīla-p)؛ ۳. ترک (خان‌ومان) (nekkhamma-p)؛ ۴. فراشناخت (paññā-p)؛ ۵. نیرو (virīya-p)؛ ۶. بردباری (khanti-p)؛ ۷. حقیقت (sacca-p)؛ ۸. پایداری (adhitthāna-p)؛ ۹. مهر (metta-p)؛ و ۱۰. یکسان‌دلی (upekkhā-p) (پاشایی، ۱۳۸۳: ۵۸۳، و برای شکل دیگر این ده کمال نک.: پاشایی، ۱۳۸۰: ۳۶-۳۸؛ سوزوکی، ۱۳۸۰: ۹۴-۹۶؛ و برای مطالعه بیشتر در خصوص کمالات نک.: Dayal, 1932: ch. V). با این همه، مفهوم کمالات در مهاییانه معنای گسترده‌تری دارد.

۱.۳. توضیح ده کمال

شش کمال اول مهاییانه همچنین از برخی جهات به «پنج قوه» یا «پنج توانایی» (indriya) کانون پالی شبیه است؛ یعنی ایمان (saddhā)، نیرو (virīya)، آگاهی (sati)، یک‌دلی (samādhi) و فراشناخت (paññā) (نک.: پاشایی، ۱۳۸۳: ۵۶۱). شایان توجه است که سیله یا سلوک اخلاقی در شمار قوا (indriya) نیست، اما در جاتکه‌های کانون پالی در زمره کمالات ده‌گانه آمده است. کمالات در جاتکه‌ها ده صفت‌اند که به بوداگی، یعنی بودا شدن، می‌انجامند. در ویسودگی‌مگه آمده است که از راه پروردن و شکوفاندن و به

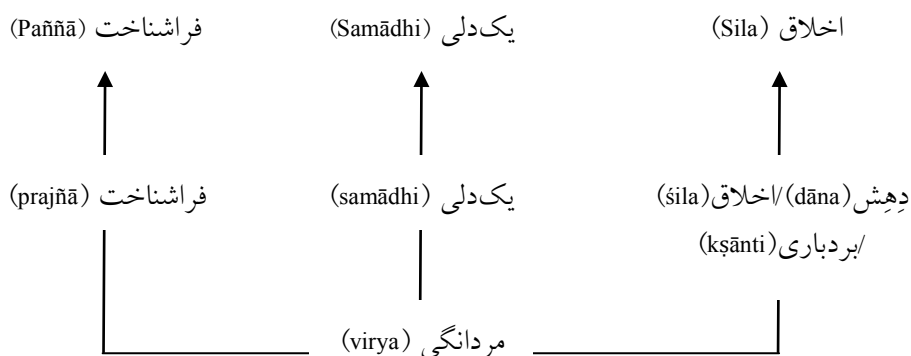
کمال رساندن چهار مقام معنوی (brahma-vihāra) می‌توان به این «ده کمال» دست یافت: «مهاسف (mahā-satta) به معنای «باشنده بزرگ»، همان بوداسف متون مهاییانه به معنای «باشنده روشنی‌یافته» ده صفت را در خود به کمال می‌رساند تا بودا شود، بنابراین (۱) به همه جانداران انفاق (dāna) می‌کند بی‌آنکه در نظر بگیرد که آنها سزاوار آن داد و دهش‌اند یا نه؛ (۲) با نیازردن جانداران سلوک یا رفتار اخلاقی (sila) در پیش می‌گیرد؛ (۳) برای آنکه سلوک اخلاقی را در خود به کمال برساند ترک خان‌ومان (nekkhama) می‌کند؛ (۴) برای شناخت سود و زیان جانداران فراشناخت (paññā) خود را عاری از هر آلاشی می‌پرواند؛ (۵) همواره نیروی (virīya) خود را برای سعادت و بهروزی دیگران به کار می‌گیرد؛ (۶) اگرچه با وجود داشتن بالاترین نیرو به پهلوانی سترگ تبدیل شده است اما در برابر اشتباهات و خطاهای گوناگون جانداران بردبار (khanti) است؛ (۷) سوگندی که خورده است هرگز نمی‌شکند (sacca)؛ (۸) با پایداری (adhitthāna) استوار برای سود جانداران گام می‌زند؛ (۹) با مهر (mettā) استوار یارمند دیگران است؛ (۱۰) به دلیل یکسان‌دلی (upekkhā) کارشان بی‌چشم‌داشت است» (Visuddhi Magga, IX, 24 & 25-26: Nyanatiloka, 1972). نخستین گام برای نشان دادن اینکه مهاییانه با آنکه الگوهای آیین بودای اولیه را تغییر داده است اما همچنان به آموزه‌های اولیه بودا وفادار مانده، مقایسه «ده کمال مهاییانه» با «ده کمال هیئنه‌یانه» است.

۱. ۴. مقایسه ده کمال مهاییانه با ده کمال هیئنه‌یانه

مقایسه کمالات در دو سنت اصلی بودایی دو نکته را نشان می‌دهد: تغییر (در الگوهای اخلاقی برای نجات جانداران که در الگوی اخلاقی هیئنه‌یانه راه ندارد)؛ استمرار (و پیوستگی با سنت اولیه) در سنت مهاییانه. هیئنه‌یانه این «ده کمال» را خاص بودای تاریخی می‌داند. سیدارته گوتمه، بودای تاریخی در زندگی پیشین خود، پیش از بودا شدن، به شکل بوداسف زندگی می‌کرده است و برای آنکه بودا شود این ده کمال را در خود پروراند و شکوفا کرد. هیئنه‌یانه معتقد است بودا شدن کار هرکس نیست. بوداها در جهان بی‌اندازه نادرند؛ چندان نادر که چه بسا هزاره‌ها بگذرند و یکی به جهان نیاید. پس زندگی آسمانی به شکل بوداسف نیز خاص بوداهاست. بالاترین مقامی که رهروان هیئنه‌یانه برای خود تصور می‌کنند ارهتیت (انسان کامل) یا ارهت شدن است که با پیمودن «راه هشت‌گانه» حاصل می‌شود. پیروان هیئنه‌یانه همچنین معتقدند بودا نه انسان است و نه خدا، بلکه سرشتی فراتر از این دو دارد: بودا آموزگار انسان‌ها و خدایان است.

اما پیروان مهاییانه این مفاهیم را به گونه‌ای دیگر می‌فهمیدند و آنها را در مسیر دیگری تعلیم می‌دادند. اگرچه مهاییانه، مانند هیئنه‌یانه، معتقد است بوداسف برای رسیدن به بوداگی یا بودا شدن باید ده کمال را در خود پروراند و شکوفا کند، اما برخلاف هیئنه‌یانه معتقد است «هر کس می‌تواند بودا شود»، زیرا همهٔ جانداران «سرشت بودایی» (buddhattā) دارند، پس همه بالقوه بودا هستند و می‌توانند قوه را به فعل تبدیل کنند و بودا شوند. در نتیجه هر کس می‌تواند با رفتار و سلوک اخلاقی بودایی در طی زندگی‌های متعدد «بوداسف» شود، و سپس با پروراندن و شکوفا کردن کمالات در خود «بودا» شود.

با این همه، سه مورد از کمالات مهاییانه، یعنی سلوک، یک‌دلی و فراشناخت، با تقسیم‌بندی سه‌گانهٔ راه هشت‌گانه آیین بودای باستان نیز مطابقت دارد. در کانون پالی راه هشت‌گانه را به سه دسته تقسیم کرده‌اند که به «سه آموزش» معروف است، یعنی: ۱. برترین سلوک (گفتار درست، کردار درست و زیست درست)؛ ۲. برترین یک‌دلی (کوشش درست، آگاهی درست و یک‌دلی درست)؛ ۳. برترین فراشناخت (دانش درست و اندیشهٔ درست) (نک: پاشایی، ۱۳۸۳: ۴۵). سه کمال نخست در فهرست مهاییانه (دهش، سلوک و بردباری) با برترین سلوک (adhīśīla)، پنجمین کمال (یک‌دلی) با برترین یک‌دلی (adhicitta) و ششمین کمال (فراشناخت) با برترین فراشناخت (adhiprajñā) در تقسیم‌بندی هیئنه‌یانه مطابقت دارد، در حالی که چهارمین کمال (مردانگی) در هر دو فهرست مشترک است (Mahāyāna-Sūtrālaṅkāra, 1907, 100, 11ff). شباهت و همانندی شش کمال در فهرست مهاییانه با تقسیم سه‌گانهٔ راه هشت‌گانهٔ هیئنه‌یانه را در نمودار زیر می‌توان دید:



۱. ۵. اخلاق و فراشناخت

فراشناخت در هر دو فهرست کمالات مه‌ایانه و هینه‌یانه دیده می‌شود. چنانچه مشهود است هینه‌یانه راه هشت‌گانه خود را به گام‌های اخلاقی و گام‌های فراشناخت تقسیم می‌کند، یعنی باید میان کمالات اخلاقی و کمالات فراشناخت یا فرادانش تفاوت قائل شد. شاید ذکر این نکته سودمند باشد که مه‌ایانه اصطلاحات اولیه را تغییر داده است، زیرا در هر جا که هینه‌یانه ارزش‌های اصلی اولیه را به فراشناخت (paññā) و اخلاق (sila) تعریف کرده، مه‌ایانه آنها را با واژگان فراشناخت (prajñā) و دستاویز (upāya)، یا فراشناخت (prajñā) و غمخوارگی (karunā) معرفی می‌کند. رابطه این دو اصطلاح، یعنی دستاویز و غمخوارگی، آن قدر تنگاتنگ است که گاه می‌شود آنها را به جای هم به کار بُرد. تغییر اصطلاحات به معنای تأکید بر کارکردهای جدید فضیلت اخلاقی به عنوان صفت پویای توجه به دیگران است، نه علاقه اولیه به خویش‌داری و تنها در اندیشه‌ی رهایی خویش بودن. درباره اهمیت این دو فضیلت از منابع مه‌ایانه چنین فهمیده می‌شود که از آمیزش این دو فرزند پدید می‌آید که «خیر نهایی» خوانده می‌شود: «کمال فراشناخت مادر بوداسفان و دستاویز خوب پدر آنهاست، راهبران جهان از چنین والدینی زاده می‌شوند» (Vimalakirtinirdeśa Sūtra, 1976, VII.6.1). از کتاب آموزه‌های ویمله‌کرستی چنین فهمیده می‌شود که وابستگی این دو فضیلت به یکدیگر چنان است که با نبود هر یک از این دو امکان رهایی از میان می‌رود (Ibid., IV.16f).

گام-پو- یا این را توضیح می‌دهد که چرا هر یک از این دو فضیلت به تنهایی کافی نیستند، می‌گویند:

اگر این فراشناخت به تنهایی کافی باشد، پس چرا باید دستاویز خوب، آن‌گونه که با بخشش و دیگر کمالات بیان می‌شود، ضروری باشد. پاسخ این است که فراشناخت به تنهایی کافی نیست ... هر بوداسفی که به یکی بدون دیگری دست یازد در نیروانه یک‌سویه، به آرامش و تسلیم و رضای مطلوب شراوکه‌ها سقوط می‌کند، و به عبارتی بندی بند این نیروانه می‌شود. اما برعکس، اگر به دستاویز خوب بدون فراشناخت دست یازد، از سطح و راه جانداران معمولی عاری از فرزاندگی فراتر نمی‌رود و در دایره سنساره (تناسخ) گرفتار می‌ماند (Jewel, 1970: 203).

آثار کمال فراشناخت در اصل می‌کوشند بر اهمیت فراشناخت تأکید کنند، اما خطرات افراط در آن را نیز گوشزد می‌کنند. طبق سوره پرگیبا- پارمیتا- اوپه‌دیشه (prajñā- (pāramitā-upadeśa-sūtra):

اگر کسی تنها به فراشناخت عمل کند و پنج درمه (dharma) دیگر را فرو نهد، صفات نیک (guna) را از کف خواهد داد ... کسی که تنها از فراشناخت پیروی کند در نظرهای نادرست (mithyādr̥ṣṭi) فرو می‌افتد (Keown, 2001: 134).

لویی دلا واله پوسین در مقدمه‌ی یکی از متن‌های تبتی، که خود ویرایش کرده، اخلاق را در سه گردونه‌ی معروف بودایی، سه گروه از شاگردان بودا، شرح می‌دهد؛ می‌گوید وقتی گردونه‌ی شاگردان (Śrāvaka-yāna) و گردونه‌ی بودایان تکرو (Pratyeka-yāna) در سه چیز همراه شوند، یعنی مهر و غمخوارگی بزرگ (mahākaruṇā)، دستاویز خوب (upāyakaṣālyā) و رها نکردن همه‌ی جانداران، مرحله‌ی کامل و ناب گردونه‌ی بوداسفان (Bodhisattva-yāna) پدید می‌آید. زیرا اخلاق از دید پیروان گردونه‌ی شاگردان و گردونه‌ی بودایان تکرو یعنی رسیدن به سعادت فردی و دست یافتن به تولدی فرخنده و کاری به دیگران ندارند (Madhyamakāvātāra, 1912, 2.7).

۲. تحولات در اخلاق مهاییانه: بدعت یا نواندیشی دینی

در سراسر متن‌های مهاییانه از کارکرد، مزایا و فواید اخلاق (śīla) سخن گفته‌اند که با توصیفات متن‌های شاخه‌ی هیئیه‌یانه کاملاً تفاوت دارد (مقایسه کنید: Jewel, 149, 170f; Lank. 119, 3-5; Suḥṛl V.11; Aṣṭa.71; M.Saṃgr iv.7; Śīlaparikathā v.11). هیئیه‌یانه مهاییانه را به بدعت‌گذاری در آیین و دخل و تصرف در سخنان شخص بنیادگذار متهم می‌کند و مدعی است خود او آموزه‌هایی را در اختیار دارد که کاملاً دست‌نخورده‌اند. وارد کردن این اتهام به این دلیل است که در آموزه‌های سنت مهاییانه مفاهیمی دیده می‌شود که در سنت اولیه چندان برجسته نیستند. اما پیش از آنکه مهاییانه در برابر این اتهام سنگین از خود دفاع کند، شاید این پرسش مطرح شود که اساساً چرا باید سنت هیئیه‌یانه در اینجا معیار و میزان سنجش درست بودن یا نبودن آموزه‌های بودا باشد؟ یا چرا باید معیار درست بودن یک سنت آموزه‌های سنت دیگر باشد؟ سنت هیئیه‌یانه تنها یک مکتب، یا به تعبیری، تنها یکی از دو جریان اصلی آیین بودا به شمار می‌آید. پس چه چیز باعث می‌شود هیئیه‌یانه خود را اصلی بداند و مهاییانه را فرع، یا بدعت‌گذار. شاید این دعوایی

فرقه‌ای باشد، اما برخی از پژوهش‌گران مطالعات بودایی نیز، که با خوش‌بینی به مه‌ایانه می‌نگرند، این اصل و فرع را دربارهٔ این دو سنت به کار می‌برند، به چند دلیل: یکی آنکه هر دو سنت تا برگزاری دومین شورای که یک قرن پس از مرگ بودا (حدود ۳۸۳ ق.م.) در ویسالی (ویشالی) تشکیل شد، با هم بودند. در این تاریخ مه‌ایانی‌های آن زمان از انجمن اولیه یا انجمن اصلی بیرون رفتند و انجمن خود را تشکیل دادند. گویی اگر هینه‌یانی‌های آن زمان از انجمن اصلی انشعاب می‌کردند اکنون باید مه‌ایانه ادعای اصیل بودن خود را مطرح می‌کرد. اینکه چرا برای این پژوهش‌گران مانند یا نماندن در انجمن اولیه مسئله است خود پرسش بزرگی است که تاکنون به آن نپرداخته‌اند و چنین پرسشی اساساً در غرب مطرح نیست.

در خود متون هینه‌یانه در گزارش‌ها آمده است پیروان بدعت‌گذاران، که اکثریت انجمن را تشکیل می‌دادند، همگی انجمن را ترک کردند؛ و این گزارش‌ها را نیز نادیده می‌گیرند که این دو گروه از شاگردان بودا در زمان حیات خود بودا نیز در برداشت درست از آموزه‌های استاد با هم اختلاف داشتند و این اختلاف بعد از مرگ بودا بالا گرفته بود تا اینکه در دومین شورا به فرقه فرقه شدن امت بودا یا انجمن یکپارچه اولیه انجامید. دومین دلیل این دسته از پژوهش‌گران این است که کانون پالی، که متعلق به هینه‌یانه است، زودتر از متون مه‌ایانه، در اواخر قرن اول ق.م.، مکتوب شده است. پس می‌توان گفت که هینه‌یانه اصل است و مه‌ایانه انشعابی از آن؛ چه استدلال غریبی! وانگهی، برخی از پژوهش‌گران که در کار ترجمهٔ متون مه‌ایانه‌اند زمان مکتوب شدن نخستین متون مه‌ایانه را همان اواخر قرن اول ق.م. می‌دانند. سومین دلیل این است که مه‌ایانه همان آموزه‌های کانون پالی را در متون خود ذکر می‌کند، جز آنکه آن را شرح و تفسیر می‌کند و برداشت‌های خود را نیز به آنها افزوده است. اما گویی اینان را نیز نادیده می‌گیرند که هر دو گروه شاگردان بودا بوده‌اند. مه‌ایانی‌ها نیز خود را برتر می‌دانند، زیرا معتقدند شاگردان تیزهوش بودا بوده‌اند؛ می‌گویند بودا شاگردان فرومایه‌ای هم داشت که جرئت پرسیدن یا دخل و تصرف در تعالیم استاد را نداشتند. می‌گویند ما شاگردانی بودیم که به کم قانع نبودیم و از این‌رو استاد آموزه‌های برتر و پیچیده‌تر را به ما آموخت و همهٔ این ادعاها در متون مه‌ایانه، به ویژه سوره نیلوفر که مربوط به همان اواخر قرن اول ق.م. است، آمده است. همهٔ این ادعاهای دو سنت می‌تواند فرقه‌ای باشد، اما چیزی که برای ما باید مهم باشد این است که این ادعاها باید خود را در آموزه‌ها نشان دهند، نه در رجزخوانی‌های فرقه‌ای. اگر در یک پژوهش

خاص دست پژوهش‌گران مطالعات بودایی را در این مورد خاص کوتاه کنیم و به دیدگاه‌های آنها اجازه ورود ندهیم شاید بتوانیم این ادعاها را دست‌کم در برخی زمینه‌ها از زبان متون سنت‌ها نشان دهیم.

البته ادعای برتری هیئیه‌یانه موضوع بحث ما نیست، چیزی که در اینجا قصد مطرح کردن آن را داریم ادعای برتری مهاییانه است. متون مهاییانه در نگرش‌شان به اخلاق، خود را از جهات مختلف از هیئیه‌یانه برتر می‌دانند. در نگرش آیین بودای مهاییانه به اخلاق، هم تغییر دیده می‌شود و هم استمرار. این حرف بدین معناست که شاخه مهاییانه آیین بودا آموزه‌های اخلاقی شاخه هیئیه‌یانه آیین بودا را به عنوان پایه پذیرفته و در عین حال تغییراتی در آن داده است. این موضوع با نشان دادن دسته‌بندی‌های مهاییانه از اخلاق روشن‌تر خواهد شد.

۳. دسته‌بندی‌ها و ادعای برتری اخلاق مهاییانه

دسته‌بندی آموزه‌های اخلاقی مهاییانه با شیوه‌های هیئیه‌یانه تفاوت دارد. حتی اینجا نیز مهاییانه راه خود را از هیئیه‌یانه جدا کرده است. مهاسنگیکه‌ها نخستین کسانی بودند که به شیوه‌های خشک و سخت‌گیرانه اخلاقی هیئیه‌یانه خرده می‌گرفتند. مهاسنگیکه‌ها معتقد بودند نباید به رهروان نوآموز (sotāpanna) زیاد سخت گرفت. می‌گفتند نوآموزان می‌توانند هر خطایی را مرتکب شوند مگر پنج خطای بزرگ، یا پنج «گناه کبیره» (ānāriya)، که مجازات فوری (یعنی اخراج از انجمن) به دنبال داشت (Bureau, 1955: 67, Cited in Keown, 2001: 148). پیروان مکتب گوکولیکه، یکی از شش مکتب مهاسنگیکه، نیز معتقد بودند قواعد اخلاقی وینیه مناسب یک بوداسف نیست و بوداسف نمی‌تواند با تکیه بر این قواعد در راه معنوی گام نهد (Dutt, 1970: 73).

یکی از تفاوت‌های مهاییانه با هیئیه‌یانه در تمرکز داشتن یا نداشتن «هسته اخلاقی» این دو سنت است. دات می‌گوید در حالی که قواعد اخلاقی هیئیه‌یانه در مجموعه‌ای با عنوان «مجموعه قواعد وینیه» گرد آمده‌اند و هسته اخلاق هیئیه‌یانه را تشکیل می‌دهند، قواعد اخلاقی مهاییانه را نمی‌توان در یک مجموعه یافت. این قواعد در منابع مختلف پراکنده‌اند (Dutt, 1930: 292). با این همه، برخی متون دینی این شاخه از آیین بودا بیشتر به موضوعات اخلاقی پرداخته‌اند. در واقع چند متن هستند که با هم هسته قواعد انضباطی مهاییانه را تشکیل می‌دهند که عبارت‌اند از: سوره برهمه‌جآله چینی، سه اثر از شانتی‌دیوه به نام‌های سیکشاسَمیوَجَّیه (Sikṣāsamuccaya) و

بودی‌چاریاوتارَه (Bodhicāryavatāra) و بودی‌ستوه‌بومی (Buddhisattvabhūmi) یا گام بودا/سَف (Bodhisattvabhūmi). کیون معتقد است کتاب گام بودا/سَف از دو متن نخست مهم‌تر است. این کتاب از قواعد انضباطی به شکلی نظام‌مندتر بحث می‌کند. فصل اخلاق (śīla-pāṭala) این کتاب دربارهٔ اخلاق مه‌ایانه بحث می‌کند و مطالب آن از دو کتاب اول شانتی‌دیوه مهم‌تر است. در واقع این کتاب خود را سبده بودا/سَف (bodhisattva-pitaka) معرفی می‌کند و از اخلاق مه‌ایانه گزارشی کامل به دست می‌دهد. این کتاب، که یکی از آثار اولیه معتبر به شمار می‌آید، به وضوح خود را مهم‌ترین منبع در باب اخلاق و قواعد انضباطی مه‌ایانه معرفی می‌کند (Keown, 2001: 136). کتاب تلخیص مه‌ایانه (Mahāvānasaṃgraha) با مقایسهٔ اخلاق مه‌ایانه و اخلاق هینه‌یانه، برتری اخلاق مه‌ایانه را به شکل خلاصه نشان داده است. بر اساس گزارش کوتاه این کتاب، اخلاق مه‌ایانه از چهار جنبه برتر است:

الف. برتری در دسته‌بندی (prabheda-viśeṣa)؛

ب. برتری در قواعد مشترک و خاص (sādhāraṇa-asādhāraṇa-śikṣāviśeṣa)؛

ج. برتری در گستره (vaipulya-viśeṣa)؛

د. برتری در عمق (gāmbhīrya-viśeṣa).

این دسته‌بندی چهارگانه کار بحث ما دربارهٔ اخلاق مه‌ایانه را آسان‌تر پیش می‌برد. هر یک از این چهار جنبه، که در منابع متعدد بودایی مه‌ایانه به آنها اشاره شده است، به طریقی با یکدیگر ربط و نسبت دارند. در منابع مه‌ایانه دربارهٔ این چهار گزینه به تفصیل بحث شده است، به جز گزینهٔ «ج»، زیرا این گزینه صرفاً ادعایی کلی در برتری اخلاق مه‌ایانه است. گزینهٔ «الف» به دسته‌بندی سه‌گانهٔ ابداعی اخلاق اشاره دارد، و گزینهٔ «ب» به هنجارهای اخلاقی اشاره دارد که بودا/سَف مجاز به نقض و نادیده گرفتن آنهاست و در این کار آزادی عمل کامل دارد. گزینهٔ «د» شامل مفهوم بنیادین و اصلی «دستاویز خوب» به منزلهٔ کُنشی فرااخلاقی است. اینک این چهار گزینه را به اختصار توضیح می‌دهیم.

۳. ۱. برتری در دسته‌بندی

این گزینه از سه گزینهٔ دیگر مهم‌تر و بحث از آن مفصل‌تر است، زیرا بنیاد آن سه دیگری به شمار می‌آید. مطابق کتاب تلخیص مه‌ایانه، که در بالا اشاره شد، تفاوت اخلاق مه‌ایانه با اخلاق هینه‌یانه در دسته‌بندی‌ها و گسترهٔ جامع (prabheda-viśeṣa) آن است. طرح کامل اخلاق مه‌ایانه در این دسته‌بندی خلاصه می‌شود که در آن سه جنبه یا

سه بعد نمایان است:

الف. اخلاق خویشتن‌داری (saṃvara-śīla)،

ب. اخلاق فضیلت‌پروری (kuśala-dharma-saṃgrāhaka)،

ج. اخلاق غمخوارگی (sattva-artha-kriyā-śīla).

کتاب تلخیص مه‌ایانه به ما می‌آموزد که گزینه «الف» پایه و اساس دو گزینه دیگر است، گزینه «ب» پایه و اساس صفات بوداست و گزینه «ج» پایه و اساس به کمال رسیدن جانداران است. ادعای برتری مه‌ایانه در دسته‌بندی اخلاق به این دلیل است که رهروان تیره‌واده یا شراوکه‌ها (Śrāvaka) از میان این سه گزینه تنها به گزینه «الف» چسبیده‌اند و با دو گزینه دیگر کاری ندارند. زیرا معتقدند نمی‌توانند به کسی کمک کنند. از این‌رو، زندگی اخلاقی برای کمک به دیگران و در جهت خیر و بهروزی دیگران کوشیدن معنا و مفهوم ندارد. با این همه، منابع مه‌ایانه این دسته‌بندی سه‌گانه را پذیرفته‌اند و آن را به شکل گسترده به کار برده‌اند (BPMS, Dutt (tr.) 1931: 269). کتاب گام بوداسف این دسته‌بندی را به تفصیل توضیح می‌دهد. ما در اینجا نخست به توضیح این متن مه‌ایانه از دسته‌بندی سه‌گانه اخلاق مه‌ایانه می‌پردازیم و سپس به قواعد خاص جدیدی که متون مه‌ایانه برای بوداسف برشمرده‌اند خواهیم پرداخت.

الف. اخلاق خویشتن‌داری

این متن در توضیح نخستین گزینه، یعنی خویشتن‌داری و پرهیزگاری، می‌نویسد: بوداسف ترک دنیا می‌کند حتی اگر شاه جهان (cakravarti-rājyam) باشد. او به چنین سلطنتی چون تکه‌علفی (amedhya) می‌نگرد. با خلوص نیت (āśayaviśuddhatā) و عاری از میل و شهوت ترک دنیا می‌کند، و چون اشخاص فرومایه (nihina-puruṣa) این آرزو را ندارد که از زندگی زاهدانه و زیست درست سودی ببرد. انگیزه او لذت بردن از خوشی‌های حاصل از خویشتن‌داری نیست، زیرا سرشت حقیقی این خوشی‌ها، یعنی ورود به چاه ویل و ترس و هراس‌های ناشی از آن، را می‌بیند. با قطع نظر از خوشی‌های آینده که از سلوک اخلاقی بوداسف پیدا می‌شود، از خوشی‌های کنونی مانند ثروت و افتخار لذت نمی‌برد. همه اینها را هیچ می‌گیرد، بلکه آنها را به منزله بالا آوردن غذا (vāntāśanam iva) می‌داند. از ترک دنیا لذت می‌برد.

بوداسف در عمل به دستورها (śikṣāpada) سخت پای‌بند است و گرفتار نادرست یا کمترین اندیشه نادرست را بر نمی‌تابد. وقتی این رفتارهای نادرست دلش را شوریده و پریشان

کند، احساس تأسف شدید (tīvra vipratīśāra) می‌کند و خطرات آنها (ādinava-darsaṇa) را می‌بیند.

همه اینها در ارتباط با خودش بود، اما در ارتباط با دیگران، بوداسف که در مرحله اخلاق خویشتن‌داری قرار دارد، در پی یافتن خطاها (doṣa) یا ضعف‌های روحی (antara-skhalita) دیگران نیست. او در برابر انسان‌های خشونت‌طلب اندیشه بدخواهانه و خصمانه در دل ندارد، بلکه برعکس، مطابق غمخوارگی بزرگ، مهر و شفقت و خدمت به آنها را در دل می‌پروراند و تجربه می‌کند. بوداسف با خشونت فیزیکی و پرخاشگری (ākrośa-roṣa) یا نکوهش (paribhāṣana) رفتار نمی‌کند. بوداسف که در این مرحله خویشتن‌داری مستقر است به کمک نیروی پنج‌گانه توجه (apramāda) خطاهای (āpatti) گذشته را اصلاح و از تکرار آنها جلوگیری می‌کند. کوتاه سخن آنکه، می‌گویند او کارهای خوب خود را می‌پوشاند و خطاهای خود را عیان می‌کند؛ به اندک خشنود است، در برابر رنج صبور و بردبار است، خستگی‌ناپذیر است، خودبین و متکبر (anuddhata) نیست، ثابت‌قدم و استوار (acapala) است و رفتارش آرام (praśānteryā).

ب. اخلاق فضیلت‌پروری

کتاب گام بوداسف اخلاق فضیلت‌پروری یا «اندوختن نکوکرد» را این‌گونه تعریف می‌کند: بوداسف از راه اخلاق خویشتن‌داری، با تن و گفتار خود در راه بیداری بزرگ، فضیلت (kuśala) هر کاری را گردآوری می‌کند (۱۳۹، ۱-۳). بوداسف در اخلاق خویشتن‌داری می‌کوشد در مراقبه آرام (śamatha) و مراقبه بینش (vipaśyanā) نکوکرد بیاندوزد. بیرون از مراقبه نیز راه‌های بسیاری برای اندوختن نکوکرد وجود دارد. با استاد و معلم خود با احترام کامل رفتار کرده و به او خدمت می‌کند، با مهربانی از بیماران مراقبت می‌کند. مردم از طرز کلام او خشنودند. خطاهای دیگران را می‌بخشاید، تصمیم‌های او همیشه بجاست (samyak-praṇidhāna) و سه‌گوهر را حرمت می‌نهد. پرشور است و اراده و نیتش همواره خیر (kuśala-pakṣa) است. تن و گفتارش همیشه بیدار و هشیار (apramāda) است و با آگاهی (smṛti)، وظیفه‌شناسی (samprajanya) و سلوک خود از دستورها (sikṣāpada) مراقبت می‌کند. از درهای حواس مراقبت می‌کند، به اندازه غذا می‌خورد، در پاس‌های اول و آخر شب بیدار است، به اشخاص بافضیلت (satpuruṣa-sevi) خدمت کرده و بر دوستان معنوی (kalyāṇa-mitra-samniśrita) خود تکیه می‌کند. در پی یافتن خطاهای (atyaya) خویش است و با اقرار و اعتراف به آنها درصدد

اصلاح آنها برمی‌آید. بر این اساس، تأثیر اخلاق فضیلت‌پروری در انباشت نکوکرد، مراقبت و گسترش صفات نیکویی (dharma) است که در بالا برشمرده شد.

ج. اخلاق غمخوارگی

سومین و مهم‌ترین نوع اخلاق مه‌ایانه، یعنی اخلاق غمخوارگی، «اخلاق حمایت از جانداران» (sattvānugrāhka-sīla) نیز خوانده می‌شود. هر دو نام کارکرد این نوع اخلاق را به وضوح نشان می‌دهد. اخلاق غمخوارگی یازده قسم (ākāra) است که باید یکی یکی تحقق یابند؛ مانند نقش داشتن (sahayi-bhāva) در کارهای گوناگون جانداران، مراقبت از بیماران، استفاده از نیروهای جادویی (ṛddhi-bala) برای ترویج دین (buddhaśāsana-avatārāya) و جذب کافران شرور.

از این عبارت‌های کتاب گام بودا/سَف می‌توان دریافت که اخلاق مه‌ایانه سه جنبه یا سه کارکرد دارد: الف. کفِ نفس یا خویشتن‌داری (saṃvara)؛ ب. پرورش کمالات اخلاقی در خود برای رسیدن به روشن‌شدگی؛ ج. توجه به نیازهای دیگران. دو کارکرد اول جنبه شخصی و درونی دارند و اخلاق مه‌ایانه از این دو جنبه به اخلاق تیره‌واده شبیه و مانند است. اما کارکرد سوم جنبه شخصی ندارد و بیرونی است. کمک به دیگران، همان‌طور که پیش از این اشاره شد، جنبه‌ای است در اخلاق مه‌ایانه که در تیره‌واده پیدا نمی‌شود، زیرا نظام اخلاقی تیره‌واده اساساً به گونه‌ای است که کمک به دیگری یا حتی کمک گرفتن از بیرون در آن معنا و مفهوم ندارد، و در واقع امکان‌پذیر نیست. رهایی تنها با تغییر درونی هر فرد ممکن می‌شود. این جنبه سوم در اخلاق مه‌ایانه همان چیزی است که در مه‌ایانه «برتری در گستره» (prabheda-viśeṣa) خوانده می‌شود.

قواعد رفتاری جدید بودا/سَف‌ها

یکی از نتایج این تغییر در هسته اصلی اخلاق بودایی پیدا شدن نوعی نقش جدید یا قواعد رفتاری جدید برای بودا/سَف‌ها بود. کتاب گام بودا/سَف به مجموعه‌ای از قواعد (śikṣāpadas) با عنوان بودی‌ستوه پیتکه (bodhisattva-pitaka) اشاره می‌کند. اگرچه این متن دسته‌بندی نظام‌مندی از این قواعد ارائه نمی‌کند، اما چهار قاعده اول را به شیوه وینیه تیره‌واده و با عنوان «گناهان ناقض» آورده است، که اشاره به خطاهایی است که به «شکست» یا نقض قواعد می‌انجامد. شارحان سنتی مه‌ایانه در شرح و توضیح‌های خود از «گناهان ناقض» ۴۶ گناه یا خطا را برشمرده‌اند (Tatz, 1986: 24).

فصل اخلاق کتاب گام بوداسف، در مقابل وینیه (Vinaya) و پاتیموککه (Pātimokkha) متون شر او که یانه (Śrāvaka-yāna)، مجموعه‌ای از قواعد رفتاری برای بوداسف برمی‌شمارد. می‌گویند بوداسف با کمک دستاویز خوب به این خطاها دست می‌یازد؛ برخی از خطاها را که برای او نامجازند رها می‌کند و به برخی خطاها که برای او مجازند (خطاهای عمدی) دست می‌یازد. نکته جالب توجه اینکه مفهوم خطای عمدی یا آگاهانه رابطه تنگاتنگی با مفهوم دستاویز دارد.

۳.۲. برتری در قواعد مشترک و خاص

دومین نوع برتری به تمایز میان خطاهای بزرگ (prakṛisāvadya) و خطاهای کوچک (pratikṣepanasāvadya) اشاره دارد. بر اساس این برتری، اخلاق بوداسف از یک حیث به اخلاق شر او که شبیه است و از حیث دیگر با آن تفاوت دارد. شباهت در این است که هر دو سنت دست یازیدن به خطاهای بزرگ را ممنوع می‌دانند، و تفاوت در این است که بوداسف مرتکب خطاهای کوچک می‌شود در حالی که شر او که آن را مجاز نمی‌داند (Mahāyāna-Saṃgraha. VI.3). سوره دستاویز خوب بی‌آنکه به این اصطلاحات فنی اشاره کند، قاعده کلی را این‌گونه کوتاه بیان می‌کند:

بودا دستوراتی را به بوداسف تعلیم می‌دهد که نیازی نیست به آنها دقیقاً مو به مو عمل کند، اما دستوراتی را که به شر او که تعلیم می‌دهد باید دقیقاً مو به مو عمل شود؛ دستوراتی که او به بوداسف تعلیم می‌دهد می‌تواند هم مجاز باشد و هم ممنوع اما دستوراتی که به شر او که تعلیم می‌دهد مطلقاً ممنوع است (Mahāyāna-Saṃgraha, 1983: 268).

گویا هیچ‌یک از دو اصطلاح prakṛisāvadya یا pratikṣepanasāvadya در کانون پالی نیامده است، اگرچه وسوئندو به آنها اشاره می‌کند (Bhāṣya, IV. 29ac). در کانون پالی به خطاهای بزرگ و خطاهای کوچک با دو اصطلاح appasāvajja و mahāsāvajja اشاره می‌شود (Digha-Nikāya-Atthakathā, iii, 1048f). متون مه‌ایانه در این قاعده که بوداسف می‌تواند مرتکب خطاهای کوچک شود اتفاق نظر ندارند، اما در این متون به فرمول‌هایی اشاره می‌شود که نشان می‌دهد یک دستور واحد در مناطق مختلف احکام متفاوتی دارد. نمونه خطاهای بزرگ در Mahāyāna-Saṃgraha-Upanibandhana. VI.3 عبارت است از: قتل (prāṇātipāta)، دزدی (adattādāna)، روابط جنسی نامشروع

(kāmamithyācāra) و مانند اینها، که از شهوت و میل (rāga) برمی‌خیزند (MSU, 42b.7-16). دو مثال از خطاهای کوچک نیز آورده‌اند که عبارت‌اند از کندن علف (trṇachedana) و بیرون رفتن در فصل بارانی.

تمایز بوداسف از شرابکه او را از قواعد دست و پاگیر وینیه آزاد می‌کند. بوداسف اگرچه از بند محدودیت‌های شرابکه آزاد است اما وظیفه دیگری به عهده او نهاده شده که شرابکه آن را ندارد. کاری که برای شرابکه خطاست می‌تواند برای بوداسف خطا نباشد. در واقع اگر پای خیر جاننداری در میان باشد، بوداسف وظیفه دارد که خطاهای کوچک را مرتکب شود و قواعد را نقض کند و برعکس اگر تحت این شرایط چنین نکند کاری غیراخلاقی کرده است. یک نمونه، که در تفاسیر آمده است، می‌گوید: اگر یک شرابکه در فصل بارانی بیرون رود خطایی کوچک مرتکب می‌شود، اما اگر بوداسف بیرون نرود، در حالی که خیر جاننداری اقتضای این را دارد که بیرون رود، مرتکب خطا می‌شود. در کتاب تلخیص مهاییانه گزارشی کوتاه از آنچه برای بوداسف مجاز است آمده است:

به سخن کوتاه، بوداسفان مجاز به انجام هر عمل فیزیکی یا روحی (kāyavāgmanaskarma) هستند که خیر جانداران در آن باشد، مشروط به آنکه عاری از خطا (niravadya) باشد. برتری در قواعد مشترک و غیرمشترک از اینجا دانسته می‌شود (Mahāyāna-Saṃgraha, VI.3).

عبارت کلیدی در گزارش بالا آنجاست که می‌گوید: «مشروط به آنکه عاری از خطا باشد». برخی تفاسیر به شرح این عبارت کلیدی پرداخته‌اند:

عاری بودن از خطا بدین معناست که هر عملی باید این اطمینان را بدهد که سعادت (hita) و شادی (sukha) جانداران باید از امیال و شهواتی چون آز و مانند آن (rāgādikleśa)، چه در خودش چه در دیگری، عاری باشد. چنین اعمالی را بوداسف مجاز به انجام آنهاست (Mahāyāna-Saṃgraha-). (Upanibandhana, VI.3)

تفسیر دوم با ذکر مثال این‌گونه آمده است:

شاید این اتفاق بیفتد که عملی به سود جانداران باشد اما عاری از خطا نباشد: محض نمونه، داشتن رابطه نامشروع با زنی که متعلق به دیگری است. از

این‌رو، برای بیرون کردن این عمل از این قاعده، نویسنده تصریح می‌کند که «مشروط به آنکه عاری از خطا باشد» (*Mahāvāna-Saṃgraha-bhāṣya*, VI.3).

پس، از منظر کتاب *تلخیص مه‌ایانه* و شرح و تفسیرهای آن، خطاهای بزرگ به احتمال زیاد به نقض «ده راه عمل شایسته» یا خطاهای پاراجیکه‌گونه، و خطاهای کوچک به نقض دستورات کوچک و جزئی وینیه باز می‌گردد. کتاب *گام بوداسف* نیز به این نکته اشاره می‌کند که بوداسف باید مقررات کوچک را با همان جدیت شراوکه‌ها رعایت کند. سپس همه آن آزادی عملی را که *تلخیص مه‌ایانه* برای بوداسف قائل بود برای بوداسف مجاز می‌داند و می‌گوید:

بوداسف به خاطر حرمت نهادن به خطاهای کوچکی که بودا در پراتی‌موکشه در وینیه وضع کرده است، بلکه به خاطر اندیشیدن به دیگران (*para-cittānurakṣā*)، برای تولید ایمان در دل کافران و افزایش ایمان در دل مؤمنان، مانند شراوکه‌ها بی‌هیچ تفاوتی از همان قواعد انضباطی (*śiksā*) پیروی می‌کند. چرا؟ چون حتی شراوکه‌ها، که خیر خود را بر دیگران مقدم می‌دارند، به مراقبت از دیگران می‌اندیشند و در قواعد انضباطی برای تولید ایمان در دل کافران و افزایش ایمان در دل مؤمنان تعلیم می‌بینند. پس بوداسف‌ها که عمر خود را وقف دیگران کرده‌اند، باید دریافت تا چه اندازه نگران آنها هستند! (*Bodhisattva-bhūmi*, 164.19-165.1).

سپس اعمال بوداسف‌ها را تنها به یک دلیل، یعنی خیرخواهی برای دیگران، از اعمال شراوکه‌ها جدا می‌کند:

اما یک بوداسف به قواعد انضباطی کوچک، از جمله میل اندک (*alpārthatā*)، آزاد بودن از مسئولیت‌ها (*alpakṛtyatā*) و آزاد بودن از مراقبت‌ها (*alpotsuka*-*vihāratā*) که بودا برای شراوکه‌ها وضع کرده است، همانند شراوکه‌ها عمل نمی‌کند. چرا؟ زیرا میل اندک، آزاد بودن از مسئولیت‌ها و آزاد بودن از مراقبت‌ها درخور (*śobhate*) شراوکه‌اند که خیر خود را بر دیگران مقدم می‌دارد و در وهله نخست به خود می‌اندیشد تا دیگران. اما میل اندک، آزاد بودن از مسئولیت‌ها و آزاد بودن از مراقبت‌ها درخور بوداسف، که خیر دیگران را بر هر چیزی مقدم می‌دارد، نیستند (*Bodhisattva-bhūmi*, 165.2-9).

این متن در ادامه این عبارت می‌گوید بوداسف باید ساز و برگ‌های زندگی رهروی را گردآوری کند و در اختیار دیگران قرار دهد. او باید صدها و هزاران خرکه (civaraka)، کشکول و بالاپوش ابریشمی تهیه کند و اگر چنین نکند و مانند شراوکه بی توجه باشد، در این صورت مجموعه قواعد (siksāpada) بودی‌ستوه - پیتکه را نقض کرده و مرتکب خطای بزرگ یا گناه کبیره (kliṣṭa-āpatti) شده است. از دید این متن خطاهای بزرگ عبارت‌اند از: قتل، دزدی، بی‌عفتی؛ دروغ‌گویی؛ فاصله انداختن میان دوستان؛ تندگویی و پرخاشگری؛ آواز خواندن، رقصیدن و یاوه‌گویی.

کتاب *ابی‌درمه کوشه* نتیجه می‌گیرد که پنجمین دستور از پنج دستور، یعنی میخواری، خطای کوچک است و دستوره‌های یک تا چهار خطاهای بزرگ هستند (*Abhidharmakośa*, IV.35cd). این متن همچنین میان دو گونه رفتار نادرست فرق می‌گذارد، یکی رفتارهای غیراخلاقی (*dauḥsīlya*) و دوم رفتارهایی که ذاتاً غیراخلاقی نیستند اما بودا آنها را ممنوع کرده است (*Ibid.*, IV.122bc). مثال برای رفتارهای نوع دوم غذا خوردن بی‌موقع (*vikālabhojana*) است. و سوبندو نیز می‌گوید خطاهای کوچک ناقض قواعد دیری هستند، نه اعمالی به شدت غیراخلاقی.

اگرچه در منابع بودایی درباره این مطلب که کدام خطا در کدام دسته یا مقوله قرار بگیرد وحدت نظر وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد در این خصوص تا حدی موافقت کلی وجود دارد. خطاهای بزرگ ناقض «هسته اخلاقی» آیین بودا به شمار می‌آیند. برای مثال، نقض پنج دستور، یا دست‌کم چهار دستور اول آن «گناه کبیره» دانسته می‌شود. خطاهای کوچک دستوره‌های کوچک را، که به زندگی دیری نظم می‌بخشند و برخی از غیررهروان آنها را در زمان‌های خاص به جا می‌آورند، نقض می‌کنند. غذا خوردن به‌موقع همواره از سوی رهروان رعایت می‌شود و غیررهروان نیز آن را گناه به‌عنوان ششمین دستور از «هشت دستور» یا «ده دستور» رعایت می‌کنند. در حالی که خطاهای بزرگ در کل غیراخلاقی شناخته می‌شوند، خطاهای کوچک ناقض قواعدی هستند که بخشی از نظم و انضباط دینی به شمار می‌آیند. کتاب *پرسش‌های میلنده* نیز این تفسیر را تأیید می‌کند که از دو گونه آلودگی (*kilesa*) سخن می‌گوید. یکی کارهایی که دنیا آنها را نکوهش می‌کند (*lokavajja*) و دیگری کارهایی که وینیه آنها را نکوهش می‌کند (*paññattivajja*). مثالی که برای اولی می‌آورند «ده راه عمل ناشایسته» است و مثال برای دومی به سلوک رهروان در دیر باز می‌گردد؛ مانند غذا خوردن بی‌موقع (*vikālabhojana*)، از بین بردن گیاهان (*bhūtagāma-vikopana*) و بازی کردن در آب (*udakehassadhamma*) (*Milindapañha*, 266f).

مهایانه در ادعای برتری در قواعد مشترک و خاص، به انعطاف‌پذیری خود در خطاهای کوچک در مقابل قانون‌باوری افراطی هیینه‌یانه اشاره می‌کند. چرخش زندگی دینی از نجات فردی به اندیشیدن به نیازهای دیگران نشان می‌دهد که گاه در شرایط خاص میان شیوه زندگی در کنج عزلت و نیاز به فعالیت در جهان تعارض پیدا می‌شود. مهاییانه در اندیشه‌ورزی دینی خود به این نتیجه رسید که باید آیین بودا را از کنج دیرها بیرون کشید و به میان توده مردم آورد و با این کار دین را تازه کرد و جانی دوباره بخشید. مهاییانه برای تحقق این اندیشه جدید دست رهروان را باز گذاشت تا در چنین شرایطی اندکی با انعطاف عمل کنند مشروط به آنکه دو چیز را سخت مراعات کنند، یکی آنکه عمل باید با خیرخواهی برای دیگران همراه باشد، و دوم آنکه عمل عاری از خطا باشد. اما در هیچ جا نقض دستورهای اخلاقی بنیادین را مجاز نمی‌خواند. تحول و تغییر دیگری که مهاییانه در اصول اولیه پدید آورد پیدایش مفهوم «دستاویز خوب» است که می‌تواند حاصل رواداری در خطاهای کوچک باشد. مفهوم «دستاویز خوب» باید در جای خود به تفصیل بررسی شود.

۳.۳. برتری در گستره

سومین نوع برتری که مهاییانه مدعی آن است برتری در گستره (vaipulya-viśeṣa) یا حوزه اخلاق است. از دید متون مهاییانه این برتری چهارگانه است:

۱. قواعد مفصل و گوناگون آن (nānāpramāṇa-sīkṣā-vaipulya)؛
۲. [امکان] حصول نکوکرد بزرگ (apramāṇa-puṇya-parigrāha-vaipulya)؛
۳. فراهم کردن زمینه رفاه و سعادت همه جانداران (sarva-sattva-hitasukha-)؛
۴. بنیاد نهادن روشن‌شدگی کامل بی‌برتر (anuttara-samyaksaṃbodhi-nīśraya-)؛

(vaipulya).

این صرفاً دسته‌بندی چهارگانه فشرده‌ای است که سه گزینه نخست آن به تقسیم‌بندی سه‌گانه اخلاق مهاییانه، یعنی اخلاق خویشتن‌داری، اخلاق فضیلت‌پروری و اخلاق غمخوارگی اشاره دارد، و گزینه چهارم آن، که حاصل سه گزینه اول است، به رسیدن به بالاترین حد روشن‌شدگی اشاره دارد و آن را تحت عنوان روشن‌شدگی بی‌برتر وصف می‌کند.

۳. ۴. برتری در عمق (دستاویز خوب)

چهارمین و آخرین مدعای مه‌ایانه در برتری اخلاق خود نسبت به اخلاق هی‌نه‌یانه به دستاویز خوب بوداسف اشاره دارد که شاید مهم‌ترین نوآوری در اخلاق مه‌ایانه باشد. مفهوم «دستاویز خوب» در آیین بودا تاریخی طولانی و برجسته دارد، اما تنها در متون خاص مه‌ایانه است که بر نتایج اخلاقی بنیادین آن تأکید شده است. در متون مه‌ایانه به شکل خلاصه آورده‌اند که این آموزه به بوداسف اجازه می‌دهد به «ده راه عمل ناشایسته» (daśa-akuśala-karmapatha) دست یازد، و از این راه نکوکرد بزرگ را کسب کند، و به سرعت به روشن‌شدگی کامل بی‌برتر برسد. همچنین، مطابق این آموزه، بوداسف مجاز است از ترفند یا حیل (Upāya) استفاده کند تا جانداران را به روشنی برساند و حتی می‌تواند به آنها رنج برساند، مشروط به آنکه این کار به آنها انضباط (vinaya) ببخشد. این آموزه به وضوح تمایز میان خطاهای بزرگ و کوچک را از میان برمی‌دارد، زیرا مطابق آن بوداسف مجاز به انجام بزرگ‌ترین خطاهاست. اما نباید از یاد برد که این اختیار مطلق تنها در چارچوب این بخش چهارم، یعنی به هنگام استفاده از دستاویز، مجاز است و هدف آن پروردن آموزه دستاویز خوب است. در غیر این صورت پیروان مه‌ایانه تنها مجاز به نقض مقررات کوچک هستند، آن هم مشروط به آنکه خیر جاننداری اقتضا کند. تنها خود بودا می‌توانست مقررات انضباطی کوچک را تغییر داده، جرح و تعدیل کند (Digha-Nikāya, ii.154).

نتیجه‌گیری

آنچه گذشت جستاری بود در معرفی چارچوب اخلاق مه‌ایانه و تغییر الگوهای هی‌نه‌یانه و تأثیر آن در نجات‌شناسی. اگرچه آیین بودای مه‌ایانه به دلیل قایل بودن به تفسیر، اصطلاحات جدیدی را از دل آموزه‌های اولیه بیرون کشیده و نقش نجات‌بر مبنای زندگی اخلاقی را تا حدی تغییر داده است، اما این موضوع، برخلاف ادعاهای هی‌نه‌یانه، به معنای گسستگی از آموزه‌های اولیه نیست، بلکه به معنای تغییر پارادایم‌ها و بازاندیشی در آموزه‌های دینی اولیه است. پس آموزه‌های مه‌ایانه نه گسست، که استمرار سنت اولیه است. اگرچه پیچیدگی اخلاق مه‌ایانه کار داوری را برای پژوهش‌گران دشوار می‌کند، اما برخی از غربی‌ها با اصل و فرع کردن این دو شاخه آیین بودا و اصل گرفتن هی‌نه‌یانه و کوشش در مطابقت دادن آموزه‌های مه‌ایانه با آن به خطا رفته‌اند و ناخواسته وارد دعوای فرقه‌ای شده‌اند. این در حالی است که مه‌ایانه از ضعف و

ناکامی هیینه‌یانه در شناخت نقش و اهمیت اخلاق در نجات‌شناسی خرده می‌گیرد، و برای از میان بردن این ناکامی و نقصان بر این آموزه تأکید می‌کند که کمال اخلاق در غمخوار دیگران بودن (*karūṇā/upāya*) است و آن را با فراشناخت یا شناخت حقیقت یکی می‌داند. مه‌ایانه برای رسیدن به این مقصود یک چارچوب اخلاقی سه‌بخشی را پی‌ریزی می‌کند که عبارت است از: اخلاق خویشتن‌داری، اخلاق فضیلت‌پروری، اخلاق غمخوارگی. مه‌ایانه برای آنکه به جانداران و نیازهای مادی و معنوی آنها توجه کند در برخی از اعمال دیری اندکی تغییر ایجاد می‌کند و برخی اعمال نامجاز را در شرایط خاص که در تعارض با خیر و بهروزی جانداران است مجاز می‌خواند تا طرح غمخوارگی برای دیگران را کامل کند. مه‌ایانه برای تحقق این اندیشه جدید دست رهروان را باز می‌گذارد تا در چنین شرایطی اندکی با انعطاف عمل کنند، مشروط به آنکه دو چیز را سخت مراعات کنند؛ یکی آنکه عمل باید با خیرخواهی برای دیگران همراه باشد، و دوم آنکه عمل عاری از خطا باشد. اما در هیچ جا نقض دستورهای اخلاقی بنیادین را مجاز نمی‌خواند. تحول و تغییر دیگری که مه‌ایانه در اصول اولیه پدید آورد پیدایش مفهوم «دستاویز خوب» است که می‌تواند حاصل رواداری در خطاهای کوچک باشد. مفهوم «دستاویز خوب» باید در جای خود به تفصیل بررسی شود.

منابع

- پاشایی، ع. (۱۳۸۳). بودا، تهران: نشر نگاه معاصر.
- _____ (۱۳۸۰). فراسوی فرزاندگی، تهران: نشر نگاه معاصر.
- سوزوکی، ب. ل. (۱۳۸۰). راه بودا، برگردان: ع. پاشایی، تهران: نشر نگاه معاصر.
- Abhidharmakośa and Bhasya* (1970). Swami D. Shastri (ed.), Varanasi: Bauddha Bharati; L. Poussin (tr.) 6 vols, new edition E. Lamotte, (tr.) MCB XVI, Brussels: Institute Beige des Hautes Etudes Chinoises, 1980.
- Aṣṭasāhasrikā-Prajñā-Pāramitā* with Haribhadra's Commentary called *Āloka* (1960). P.L. Vaidya (ed.), Darbhanga: The Mithila Institute; Edward Conze, (tr.) (1973). (for reading)
- Bodhisattvabhūmi*. Unrai Wogihara (ed.), Tokyo: no publisher provided, 1930-36.
- Bodhisattva-Prātimokṣa-Sūtra* (1931). (BPMS) N. Dutt (ed.) IHQ, 7, 259-86.
- Chang, G.C.C. (ed.), (1983). *A Treasury of Mahāyāna Sūtras*, Pennsylvania: Pennsylvania State University Press.
- Conze, E. (1973). *The Perfection of Wisdom in Eight Thousand Lines and its Verse Summary*,

- California: Four Seasons Foundation.
- Dayal, H. (1932). *The Bodhisattva Doctrine in Buddhist Sanskrit Literature*, London: Routledge & Kegan Paul.
- Digha Nikāya, Long Discourses of the Buddha* (1998). Trans. by Mrs. A. A. G. Bennet.
- Dutt, N. (1930). *Aspects of Mahayana Buddhism and its Relation to Hinayana*, London: Luzac.
- Dutt, N. (1970). *Buddhist Sects in India*, Calcutta: F.K.L. Mukhopadhyay.
- Hindery, R. (1978). *Comparative Ethics in Hindu and Buddhist Traditions*, Delhi: Motilal Banarsidass.
- Keown, D. (2001). *The Nature of Buddhist Ethics*, Basingstoke: Palgrave.
- Lankāvatāra-sūtra* (1932). B. Nanjio (ed.), *Biblioteca Otaniensis* vol. 1, Kyoto: Otani University Press; D.T. Suzuki (tr.), London: Routledge, 1932, (for reading)
- Madhyamakāvātāra* (1912). Tibetan text, L. Poussin (ed.), *Biblioteca Buddhica* IX, StPetersburg; L. Poussin (partial tr.) *Le Muséon* 8 (1907), 11 (1910), 12 (1911).
- Mahāyāna-Saṃgraha* (1936). E. Lamotte (ed. and tr.), *La Somme du Grand Whicule: tome I* Tibetan and Chinese text, tome II Translation and Commentary, Louvain: Bureaux du Musson.
- Mahāyāna-Sūtrālaṃkāra* (1907). S. Lēvi (ed. and tr.): tome I text, tome 2 translation, Paris: Librairie Honoré Champion.
- Milindapañha* (1928). V. Trenckner (ed.), London: Royal Asiatic Society; L.B. Horner (tr.) 2 vols *Milinda's Questions*, London: PTS, 1963.
- Nyanatiloka. (1972). *Buddhist Dictionary: Manual of Buddhist Terms and Doctrines*, Colombo, Ceylon: Frewin & Co., Ltd.
- Śikṣā-Samuccaya* (1981). P.L. Vaidya (ed.), *Buddhist Sanskrit Texts* XI; C. Bendall and W.H.D. Rouse (trs.), Delhi: Motilal Banarsidass, reprint.
- Śīlaparikathā* (1931), A. Basu (ed. and tr. with Sanskrit reconstruction) *IHQ* March, pp. 28-33. (for reading)
- Suhṛtlekha* with Mi-pham's commentary (1975). L. Kawamura (tr.) *Golden Zephyr*, Emeryville, Calif.: Dharma Publishing. (for reading)
- Sutra on Skilful Means*, G.e.e. Chang (tr.). In (1983) *A Treasury of Mahāyāna Sūtras*.
- Tatz, M. (1986). (tr.) *Asanga's Chapter on Ethics with the Commentary of Tsong-Kha-pa*, The Basic Path to Awakening, the Complete Bodhisattva. *Studies in Asian Thought and Religion*, vol. 4, Lewiston, New York: The Edwin Mellen Press.
- The Jewel Ornament of Liberation* (1970). a translation of sGam-Po-Pa's *Dam chos yid bzhin gyi nor bu thar pa rin po che'i rgyan zhes bya ba theg pa chen po'i lam rim gyi bshad pa*,

H.V. Guenther (tr.), London: Rider.

Vimalakirtinirdeśasūtra (1976). E. Lamotte (tr.) (Sara Boin, English tr.), *The Teachings of Vimalakirti*, London: Routledge & Kegan Paul.

Visuddhi Magga (figures: numbers of chapter & the paragraphing in Path of Purification).

Nanamoli There, publ (tr.), Colombo: A. Semage.